

آزادی؟! ... بقیه زصفحه ۱) و ایندنا معلوم وتیره و آیدند ای کده ریزش نظریه و تالی و موز و بر امیرالیسم پهلوی جزئیه روزی وتیره بختی نصیبی ند ارنده و مردی که در زیر فشار انواع مصائبی وتلخاک میاها هر روز و هر روز و چونند د مایر میبوند وزند میشوند. آری برآ چنین مردی اسطوره های "آزادی" و "مورکاسی" هرگز فریبند ه نمیتواند بود. برخلاف تصورند های از "روشننگران" تود مخلق از آزادی یک مفهوم مجرد و بی التفه مراد نظریه ارد و نمیتواند داشت. آزادی و مورکاسی برای تود مخلق یعنی ریشه کن کردن قوری ستم؛ قطع کامل غارت و بیچارگی میهن توسط امیرالیستها، کوتاه کردن و قطع کردن دستهای تنگین خاندان مغز پهلوی و مالکان بزرگ ارضی و سرمایه داران وابسته امیرالیسم و از جان و مال و ناموس مردم دلیر و شریف ایران. تا ما د ایمگورد مخوف حاکم بر سرخوش خوسوش نشوند، خورد زندگی خویش را سرورسا مان ند هندن. خود بهر ترقی و ترقی اموررتدی که خود نبرد ارنده، سختی هم از آزادی و مورکاسی نمیتوان گفت. از اینرو افسانه های رژیم پارتی از آزادی و مورکاسی همه سراب است و از خلق بیگانه، نه برای تود مخلق بلکه برای جلب عناصر و گوروها همی متزلزل و تا استوار رسا زنگار و برای فریب معدودی "روشننگر" و برای آنها بی است که از آزادی یک مفهوم مجرد و جدا از شرایط سیاسی و اقتصادی مجموعه سیستم امیرالیستی را میپندند.

رژیم مزد و پهلوی که نوکر سرسپرد امیرالیسم و امیرالیسم امیرالیستها در رکوش خلقها بهره ور میشود. وید انیم امیرالیسم و امیرالیسم امیرالیسم شوروی در چار بجران شده یه ند. و بطور کلی تضاد های امیرالیسم - تند یه یافتند. خلقهای جهان صحنه انقلابی و امیرالیسم بیاخته اند و به بار زمرگ وزندگی با امیرالیسم دست یازند داند. بعبارت بهتر بیکار د بگر صحت تئوریهای لینینیستی و استالینی در بار امیرالیسم و بحران های شایه ثابت شده است، مسئله اصلی این نیست که تضاد های امیرالیستها و میوز و بار بقرت - آمریکا و شوروی و یکجای انجامه؟ لنین و استالین د اهیانه پیروزی پرلناریا و خلقها را طهارت و گام امیرالیسم بشارت د اد هاند. و چنین خواهد شد. اما اشتباه است اگر چنین بپند اریم که پیروزی پرلناریا و خلقها علیه امیرالیسم باسانی ممکن و میسر است. امیرالیسم به هزار رولیک فریب و نرنیکه متوسل میشود. امیرالیستها که در بر مبر بارزات تود مخلقهای جهان قرار گرفته اند و از یک سوی نشا - د های میان خود شان نیز حدت و شندت یافته است، چاره ای جز با زنی نمایشی و منظورشاخته تجدید سازمانند هی سیستم امیرالیستی خود نمی بینند. می بینیم که امیرالیستهای آمریکا و فرانسه و انگلیس آلمان غربی و گانا د اضع حمایت بید ریغ و همه جانبه از حکومتهای مرتجع فاشیست و نژاد پرست رود زیا و آفریقای جنوبی و اسرائیل آنها را تشویق میکنند تا بیکجای صال الحما گروهای ازمیا میستان آفریقای و اعراب تن در دهند. این صال حما یه د بطور اساسی و پایه ای منافق فریب را بنهید نیکند. و تنها مترسکان سیاسی است امیرالیسم قدرت را در دست میگیرند. این البته همان سیاست کهنه است اما رنگ و لعاب تازه ای ارد.

د ایران نیز که امیرالیستها رژیم مزد و شاهان نوکر سرسپرد امیرالیسم آمریکا فضا را زباید تود مخلق قهرمان ایران قرار ارنده چاره ای جز چید آرایش نیروی خود برای هجوم همه جانبه مخلق ند ارنده. اینست که رژیم مزد و شاهان نوکر خانه زاد امیرالیسم آمریکا و مجد د اوطیق روال معمول خود که زما هیت - یست و لیدش سرب آید، در فریب مرد ستمهید میگوشت. اوسوی دیگر هک نظر که تا بیخ نشان د اد هاست و میوز و دوران آقا زین انقلاب مشروطیت ایران گوا آتند، مبارزات تود مخلق ارد و گام دشمن رانیز چار بجران و نفاق میکند. نه از اینرو که در برابر خلق تسلیم شوند بلکه چونگی مبارز با خلق و در تعویض و جایگزینی اشکال جدید بر جای اشکال کهنه مبارز با خلق به نزار میبند ارنده. ولی هموار د در برابر خلق متحد و یکپارچه اند و چنانکه مشروطیت برهبری شیخ فضل انوری در برابر مشروطیت چنین نقشی داشتند. اما شادخافن د رساختن بنای عوامقربانمخود تنها نیست و ریزش خوارانی نظیر خائنین کیمتبرگری حزب تود موطرفه ارد شبه تئوری خد خلقی "سهمجهان" ابرار این کار کتیک یاری مید هندن. هر یک از این د و نیروی اهری یعنی بشیوخود و در "چارچوب قانونی" که منافق اربابان آنها را تا می کنند، به آرایش رژیم سرسپرد شاه مشغولند. آن یکی در "انقلابات" شاهانه جنبه های مثبتی هی - یابد و این یکی سیاست شاه مزدور را "مستقل و ملی" توصیف میکند. هر گام د از آنها نیز بفرآخور گوش خود در تحکیم بنای غارت امیر-

چار بجران ... بقیه زصفحه ۳ بر علیه فرزند راستین خلق و کمونیستها و ناعمانصرو نیروهای مترقی ضد امیرالیست و مورکاتیک که تالیات غیرند هی د ارنده، معطوف ساز و چونسنگ طبقاتی در حال اوج و گسترش گونی را به جنگ مدهی تبدیل کند. تا از این طریق نیروهای مترقی ضد امیرالیست را بر کند موضوعی ساز و مدتی بیشتر به وزندگی سرتاپا خیانت و جنایت خود ا امد هاند. تا مسافانعه های متعصب مدهی در میان مخالفین رژیم کورتا و دعوت شادخافن و موز و امیرالیستها "لیک گفته اند و سا دعوت طرفداران خود به بار زبیا" مارکسیستها "علااب به آسیاب رژیم کورتا میبزنند. آنها تا آنجا پیش رفته اند که بطرفداران خود از جمله فدای دانشجوی عقب مانده و دستور اد مانده که هرگونه ارتباط خود را با "مارکسیستها" قطع کنند و فلنا اعلام کرده اند که "ما با مارکسیستها جبهاد داریم". مبارزه متعصبین مدهی با عناصر و نیروهای مترقی و میهن پرست و با این بهانه که مدهی نیستند، باعث شادی و شغف شاه مزدور میشوند و نتایج سیاست نفاق افکانه خود را به چشم میبندند.

البته ما منکر وجود اختلافات ایدئولوژیک در داخل صفوف خلق نیستیم. خلق بطبقات مختلف اجتماعی تقسیم میشود و هر طبقه دارای منافع طبقاتی خاص خود است؛ اختلافات ایدئولوژیک از تضاد منافع طبقاتی و در نتیجه از تضاد اقتصاد طبقاتی درون - خلق ناشی میشود، ولی مسئله ای که اینجا مطرح است، اینست که

یالیستی سهمی دریافت میکند و سر مست از ندادن نفاذ و تالیات - آزادی بخواهند مخلق را با مخره میگیرند و در انحراف مبارزات آزادی بیخس خلق ایران و با تمام وجود از خود مایه میگردد. "تئوری" ضد خلقی "سهمجهان" نیز مانند "تئوری همزیستی مسالمت آمیز" خروشجوی یک "تئوری بازاریابی" امیرالیستی است. خلش ستمهید ما بخواهی از ما هیت این نوع "تئوریها" آگاهست و بیسن آنها در جبال "حقوق بشر" کار تر فرقی نمیگردد. آزادی در چارچوب قانون "فصل نوزده مگان انقلابی" حتی اگر روسا و پیچنی ها از آن حمایت کنند، قادر نیست خلق ما را بر بند و ابرو را و امقدس انقلاب قهر آمیز را در د خلق د لیر ایران بخوبی آگاه است که مورکاسی واقعی تنها از طریق سرنگونی قهر آمیز ارتجاع سیمپهلوی و بیرون راندن کلیه امیرالیستها از صحنه از انقلاب مورکاتیک تود های واستقرار د بیک تئوری د مورکاتیک خلق برهبری طبقه کارگر ممکن و میسر است.

بیش از پیش ما هیت همفصالیستهای عوامقربان نشا امرا افشا کرد و در گسترش صفوف حزب کمونیست کارگران و هقانان ایران، این تنها ستاد واقعی پرلناریای ایران، جهت تارک مبارزه مسلحانه مظلوم سرنگونی رژیم مغز پهلوی و اخراج کلیه امیرالیستها بگوشیم!

در شرایط کنونی و از میان تضاد های مخلق را یکپارچه در مقابل رژیم سرسپرد کورتا و اربابان امیرالیستش قرار مید هد تضاد های د رون خلقی، که اید عک هد است؟

همچنانکه تضاد های مکرر خلق ما در سرتاسر د و ران سیاسی ه حکومت پهلوی نشان د اد هاست، تضاد خلق ایران با رژیم دست نشانده شاه اربابان امیرالیستش تضاد عده جامعه ایران است. حل تضاد های د یگر که معضله زمانی موقول میشود که تضاد فوق حل شد مباشد.

هر نوع کم بهاد اد بتضاد عده جامعه ایران و با مطرح - کردن مسائلی که تضاد های د رون خلقی را تشدید و با تغییر عده مرانعه د کند، صفوف خلق را ضعیف میسازد و عملا به ارتجاع سرسپرد ایران خد می کند.

سیاستهای نفاق افکانه رژیم سیمپهلوی که تود رژیم های مختلف و تریس و بیعت شاه خائنان را از وحدت د خلقهای ایران - منعکس میسازد، زیرا که همت خلق مرکز رژیم پهلوی د د منش کورتا است تجربه انقلابی خلقهای جهان، و بیوز مخلق قهرمان هندن و چین نشان د اد که امیرالیستها و مرجعین با آنها تمهید پیروزی نظامی مغرب و بظواهر و ششنگان و امکانات عظیمی های د در برابر اد ه - خلق متحد و متشکل که برای آزادی خود میبزنند چقد رخوار و ریز سو هستند. از اینرو و ارتجاع مزدور کورتا با تمام نیروی خود میگوشت، از وحدت خلق ایران و ایجاد د هر نوع زمینه خد تی جلوی کرد.

باز به سیاستهای نفاق افکانه رژیم سیمپهلوی افشا حمله های کتیک او، بهر شدت اند، بی نتیجه است. در صفوف خلق کک میکند. وحدت خلقی د در تحلیل آخر و وسیله است و اگر هد فسی آنرا توجیه میکند، علت وجودی آن از بین می رود. وحدت خلش زعشک ایران باید د در رجه اول بر خد مته به انقلاب آزادی بیخس ایران و اخراج امیرالیستها و نوکران محلی آنها از ایران و ساختن جامعه ای آزاد و مرفه برای زحمتکشان صورت گیرد.

انقلاب آزادی بیخس ایران زمانی بره پیروزی میانجامد که خلق ایران تشکیلات مناسب با مبارزات قهر آمیز علیه رژیم جنایتکار کورتا با وجود آرد. در واقع میتوان گفت که تشکیلات بیان مادی وحدت د خلقهای ایران است. تشکیلات بدخس که گسترش وحدت د خلق کک میکند و خلق متحد میتواند در برابر هر نیروی، هرچند بظواهر بزرگ و بیحشنگان مقاومت کند و سرانجام پیروزی بر همهیا ریش خوشبختانه، با احیا "حزب طبقه کارگر" عرضه ایران، د حزب کمونیست کارگران و هقانان ایران، زمان از رهز موق د یگر سرای احیا و گسترش وحدت خلقی زعشک مآلما د تراست، حزب طبقه کارگر پرچم است و خلقهای ایران با حل قز د به د و این پرچم ایجاد سازمانهای انقلابی و صنفی ورزی و وحدت خود را در مبارزه بر علیه ارتجاع پیسید ایران با نفاذ و زندگی سیاستهای آزادی رابر خرابه های رژیم تنگین پهلوی بنا خواهند کرد.

توطئه های رهبران یکن ... بقیه زصفحه ۱ هر چه تمام تر همیشه خواهند بود کمونیستهای جهان و احزاب قهرمان آنان که در مبارزه علیه روزیونیم خروشجوی تجار بسیار آموخته اند، و توانستند جنبش بین المللی کمونیستی را از جمله این موج نوین روزیونیمستی بالطمه بدیری بسیار گسترزاسالهای ۶۰ (مقدان سالهای ۴) تقویم ایرانی) حفظ نمایند. اکثریت احزاب کمونیست و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی در مقابل این حمله امیرالیسم و میوز و اوزی قا طعانه از یکدیگر مارکسیسم - لنینیسم د قاع نموده و سرخشتانوش جاعا نمبر مواضع طبقاتی پرلناریا و در قاع از منافع زعشکسان و خلقهای ستمهید بیایقی ماندند.

کمونیستهای آلبانی، حزب کارآلبانی و در صد ر کمیت مرکزی بر افتخار لن رفیق انور خوجه و این آسوزگان - بزرگ پرلناریا جبهاتی و شاکر د خلف لنین و استالین پیش آمدن چنین شرایطی و چنین توطئه های را از جانب روزیونیمستهای چینیس واقار آنها بر روشنی پیش بینی میکردند. بهین جهت رهنمود های د اهیانه گز ه هفتم حزب کارگر د ر زمان ۱۹۷۶ (زمستان ۱۳۵۵) متعقد گردید، و بر این اساس بود که آلبانی سوسیالیستی را تدرک برای مبارزه د راحاطه کامل امیرالیستی بیند و خلش قهرمان آن رانجان مسلح کند که بتواند در شرایط محاصره کامل کشورهای بورژوازی روزیونیمستی به ساختن سوسیالیسم و مبارزه برای فرآ آمدن جهان کمونیسم ا امد هاند. آلبانی، این مشعل پرفروغ سوسیالیسم امروزینتها د و یایگا هستمک انقلاب پرلناری و آرمان مقدس استقلال و آزادی بدل شد هاست.

همانطور که اطلاع بد ولت آلبانی اعلام مید ارد رهبران روزیونیمستی یکن با این اقد ام یکجانبه خود ... گامی آگاهانه و برتا مریزی شده جهت تخریب روابط میان د کشور و خرابکاری د ر اقتصاد آلبانی سو سیالیستی و تیرور د افعی آن برداشته اند. این اقد اید شمانه عمیقا تمامی خلق آلبانی را بر افرخته و به خشم آورد هاست. اما "فتار انا تازا ... برای برانزود آوردن حزب ما و خلق ما هرگز و یقینی بدست نیارود و نخواهد آورد". "فتار و محاصره نمیتواند صد ای آلبانی سوسیالیستی را خاموش سازد. این اعمال هرگز نخواهد توانست خلق آلبانی را مجبور بترک مواضع صحیح مارکسیستی - لنینیستی خود ساخته و وی را از مبارزه بر علیه امیرالیسم و انواع روزیونیم صخر ف سازد."

توطئه های روزیونیمستیهای چینی نه آلبانی سوسیالیستی را به صال حمله خواهند کشید و نه در ل کمونیستها و انقلابیون گیتی هراسی بر پا خواهند نمود. همان سرزنش د ر انتظار رهبران روزیونیمستی یکن است که سرسرد ا رود ستمزد خروشجوی و خلاف وی آمد. زبانه دانی تاریخ جای همگی آنهاست! آلبانی سوسیالیستی با تکیه بر خلق قهرمان آلمانی ووشنیانسی بسی شایه پیو د ریح کمونیستها و انقلابیون سراسر کتیک ما کانا شمشل پرفروغ آزادی و صلح و سوسیالیسم باقی خواهد مانسد. اوچگی مبارزات طبقاتی ملی د در سراسر جهان، تقویت فزاینده احزاب کمونیست و جنبشهای رهایش خلق ملی د در کشورهای مختلف برقراری و تقویت ارد و گام سوسیالیسم و تضعیف مورک امیرالیسم و سوسیالیسم امیرالیسم روزیونیمستیها را بشارت مید هد. آینه د از آن پرلناریا و خلقهاست. مارکسیسم - لنینیسم پیروز است.

عطف هرز ... بقیه رصفحه ۱
الیاسپشوروی میباشند و از طرف دیگر معامای است برای جلسب
روشنگران انقلابی ایران .

روینوینستهای حزب توده ، این ستون پنجم سوسیال -
فاشیسم در ایران ، میگویند تا خود راهمچنان ، همان حزب انقلابی
گفته شود و تا خلعهای ایران جای نزنند . آنها در مطوعات وارد یو-
های خود و قیامنا ز شوروی سوسیال امیرالیست ، بعنوان کمسوری
"سوسیالیست" نام میبرند و تجاوزات او را به حقوق و منافع خلقهای
جهان نمونهای از "انترناسیونالیسم پرلترنی" مینمایانند و در رایسن
را به معنای از اختناقی گسترده را به معنای - فرهنگی و فقر فرهنگی ناشی
از آن گمبشت در میان توده های خلق و روشنگران و انقلابیون ایران
شایع است و نیز تبلیغات امیرالیستی که از شوروی و قاضی بطور
مد او بعنوان "بلوک کمونیست" یاد میکند ، به بیامیزد . آنها
به هر ساری که از سوسیال امیرالیستشان بزند میفرزند و هر که
را که "ارباب" صلاح بداند ، "سوسیالیست" و "مترقی" و "سا-
مترج" و "نویجه امیرالیسم" خطاب میکند . روینوینستهای
خائن حزب توده ، برای توجیه تجاوزات امیرالیستی ارباب خود و
تبلیغ برای او با تمام نیرو از زنجیر و قلم خود مایمیگد ارنه و ایی -
شری تمام از تحریف حقایق باکی بد دل را نمیدهند . نوکریشنی
آنها بخوبی از خلال نوشته ها و گفته های شان پیداست . مثلاً -
زمانی که مصور سوامالی در اردن رفتن سوسیال امیرالیست بودند ، آنها
بهمراه او توده دست نشانده گان سوسیال امیرالیسم و از راهبای
نویسنده سوسیالیسم "صحبت میکردند و کشور های نامبره را "مترقی"
میدانستند . ولی اکنون که در اثر تجاوزات و معاملات بین امیرالی-
لیستهای او بر گشته است و "دستان" و "دیروزه" دشمنان "امروزی
تبدیل شده اند ، آنها نیز وضع آن و دستان و دشمنان خود را -
عوض کرده اند . ولی بیچارگی آنها اینکه واقعتاً نمیتوان باخوش
خند شد و نوکریشنی واگزین ساخت . سوسیال امیرالیستهای شوروی ،
در کشور گویک و قریسوامالی ۳/۵ میلیون نفر جمعیت ، در حدود
۶۰۰۰ مستشار نظامی داشت . اندر سوا سوامالی گرفتار از راهبای
ارتش سوامالی بوسیله آنها "آموزش" دیده اند و تجاویز و جبرازات ارتش
سوامالی را از تفنگ گرفته تا پیچیدترین سلاح ها ، تانک و هواپیما ،
تا "بین میکردند . علام و برابری ، سوسیال امیرالیستهای شوروی تا یکسال
قبل "جبهه آزاد" بیخشن سوامالی غربی را با سلاحهای خود مجهز
کرد مگر در راهی آن را تعلیم میداد تا "جبهه" بتواند برای آزادی
ارگان از نوع اشغال گران اتیوپی مبارز کند . آنها با ارسال سیل
سلاحهای خود بسوی اتیتره ، انقلابیون اتیتره ای را در برابر نشان
بخاطر آزادی و استقلال اتیتره "یاری" میکردند و حتی تهدید -
زیادی از آنک راهی "جبهه آزاد" بیخشن سوامالی غربی و "جبهه
آزاد" بیخشن خلقی اتیتره "در اتحاد شوروی و گویا "تعلیم" دیده -
اند . بزعم آنها زمانه گسوامالی در زین نفوذ سوسیال امیرالیسم
بود ، زیاد باره ، رئیس جمهوری فعلی سوامالی یک "رفیق" بود و
سوامالی یک کشور "سوسیالیست" . ولی پس از گردن تا های خونین
اتیوپی و در آن زمانه منگبستوها با لمارام ، و جلاد خلقهای اتیوپی
و نیز معاملاتی که در جریان جنگ خانمان سوز میان اتیوپی و سوامالی ،
در پس پرده بین امیرالیسم آمریکا و سوسیال امیرالیسم شوروی صورت
گرفته است ، سوسیال امیرالیسم شوروی نفوذ خود را در اتیوپی تثبیت
کرد و متعاقب آن ، ناگهان سوامالی "سوسیالیست" بگشود و مرجع
و زیاد باره "رفیق" به "نویجه امیرالیسم" تبدیل شد و هم اکنون نیز
نیروهای مشترک "جبهه آزاد" بیخشن سوامالی غربی "سوامالی از -
طرف سوسیال امیرالیسم و قاضا و نیروهای "اشغال گرسوامالی"
قلم اند میشوند . آنها هم اکنون بر حمانه و روحانه خلق مبارز اتیتره
را با هواپیما های جنگنده خود که توسط کوبانی های "انقلابی" -
هدایت میشوند به مبارز میکنند ، زیرا که بریم آنها : "اتیوپی ،
بمناسبت موقعیت مهم استراتژیک آن در افریقا و کنترل طبیعی اش
بر آبراه دریای سرخ ، در ریزش انقلاب ملی ، در موزکراتیک و ضد
امیرالیستی ، بصورت خاری در چشم امیرالیسم جهانی و ارتجاع
مللی ، بیوز ارتجاع غرب در آمد است" نقل از "نویجه" (وابسته
حزب توده ایران) (شماره ۱) و بنا بر این خلق اتیتره در یک حرکت
تعمین سرنوشت خویش را اندازد .

"راهی نویسنده سوسیالیسم" است . ولی هر که از جنگ او بد آید
و انصیب آن امیرالیست غارتگر بگردد ، "مترج" و "نویجه"
است و جای آن در آن گمبشتی غیر مستقیم از طریق تشکیلات "مترقی"
و ابسته سوسیال امیرالیسم ، و بنیروهای مخالف امیرالیسم "یاری"
رساند شود تا خود را از جنگ امیرالیسم "نجات" دهند و در راه
"پرمحببت" سوسیال امیرالیستی جای بگیرند ؟ ! جل الخالق !
در چارچوب چنین سیاستی است که سوسیال امیرالیسم
شوروی در تعارض با امیرالیسم آمریکا و امیرالیستهای دیگر در ایران
عمال مستقیم خود یعنی روینوینستهای حزب توده را روانه میدان میکند
و هم اکنون این نوکران بی آبرو باسوا استفاده از جنس در حال رشد و
گسترش خلقهای ایران بر علیه بیسفاک محمد رضا شاهی ، فعلاً -
لیتپهای خائنان خود را شدت بخشیده اند و انگار بارید و اسارت بار
خود را از طریق روزنامه "نویجه" (کمپوز سوسیال امیرالیست شوروی
را بر خلقهای ایران "نویجه" میدهند ، آرزوی که همانا شایع) سه
اصطلاح "مخفیانه" اشاعه میدهند . آنها بخوبی آگاهند که اتحاد
تمام نیروهای واقعا انقلابی ، آرزوی دیرین خلقهای ایران است و از این
رو ، مزورانه باسوا استفاده از انقلابیون و انقلابیون خلقهای ایران
شعار کاذبی خود را گشودند "جمهوری" و "یکتاتوری" است و هر که داند
تا "سفاکند" مای زماجر احوان خود به روز و همانهایی که
هیچگاه متابع هیچ اصولی جز منافع تنگ نظرانه طبقاتی خود نبوده و
اعتقاد ی منیری خلقی ندارند ، در انستیمانده اند در احوال -
فریبهای سوسیال امیرالیستگرا را ندانند و شعار روینوینستهای
خائن و نوکریشنی حزب توده را متعارف کرده اند و همانطور که انتظار
میرفت ، به آلت دست سوسیال امیرالیسم در ایران تبدیل شده اند .
روینوینستهای خائن و نوکریشنی که تمیزگری خائن حزب توده ،
میخواهند با اصطلاح "هممنیروهای مخالف استبداد شاه" را در
مجموعی بنام "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" متحد سازند . معجوب
نی که باید در مرجعترین نیروهای وابسته به امیرالیسم هویت حاکمه
را که اصطلاح "واقع بین" هستند و یاد بیکتاتوری فردی و شامخا -
لفند در کار مترقی ترین نیروها گرد آورند تا همبها علیه یکتاتوری شاه
فقط علیه یکتاتوری شاه مبارز کنند . این جبهه روینوینستی
وظیفهای در جهت سرنوشتی سلطه امیرالیسم در ایران برای خود نبی
شناسد و هیچ علاقه ب سرنوشت توده های میولینی خلقی زحمتکش ایران
نیزند ارد و این چیزی است که خود از اهمیت طبقاتی "جبهه" برسی -
آید . هاله ای از آنها همکین عقاید روینوینستگرا را میبوشاند یکی
دیگر از ویژگیهای خائنین و پورتنوینست است که به بنویسند میخواستند -
هند با توسل به موقریشنی در توده معان نفوذ کنند و مدت هر چه بیشتر ی
بعقبای تنگنظران سرا بخیا بانت خود ادامه دهند . روینوینستهای در
حقیقت با تعقیب شعار "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" آرزوی جز
شرکت در حکومت وسط نفوذ سوسیال امیرالیسم در ایران ، در سر
نبی پرورواند . این آرزوی دیرینه آنان است . بیببب نیست که زمانی
همه پیشرو هر چه مترا تیمور بخیا را ، رئیس سابق سازمان
جنبشی امنیت ، این جلاد زخند خوار خلقهای ایران ، در عراق تماس
گرفته بودند و "همکاری" او را بسوی خود جلب کردند .

چاره برنخبران ... بقیه رصفحه ۴
تلاش در ایجاد بد بینی در میان توده همارا در -
این رژیم کریف برای بنای افکنی تنهابه "نیروی" ساواک بسند
نمیکنند ، بلکه بنا برین مختلف میگویند در میان نیروهای مترقی مخالف
خود تفرقه یانند از طرفی عده فرا به عده تبه یل نماید .
یکی از نمونه های این تفرقه افکنی ، در این زمینه احساسات
مذهبی ضد کمونیستی خاص روینویرهای روین خلقی است . جامعه
ایران در مرحله انقلاب ملی و موزکراتیک قرار ارد . خلقهای ایران
دشمن مشترکی دارند و همچنانکه عملگر جنبش در حال اوج و
گسترش آنها در نقاط مختلف کشور نشان میدهند ، آنجا که مبارزه
ضد امیرالیستی مطرح میشود تمام نیروهای خلقی ، صرف نظر از وابستگی
طبقاتی و آید ثلورونیک خود متحد امیرالیسم خونی آشام کوبد تا بیای
میخیزند و با خطر کسب استقلال و حقوق انسانی خود از بند هیچ
گوششی در بیغ نمیکشند . رژیم تنگنظران تبار این نیروی عظیم خفته
در روین خلقهای ایران آگاه است و میداند که در صورت متشکل شدن
آنها ، لحظه ای تاب مقاومت نخواهند داشت . اینست که به حیل
کیف همیشه خود ، یعنی "تفاق بیاند از حکومت کن" متوسل
میشود . رژیم متفرگورن تا ، باسوا استفاده از احساسات مذهبی
گروههایی از توده های خلق مایمیگد توجه روینوینستگرا و -
آزاد یخاها را از مبارز بر علیه خود به مبارزه بقیه رصفحه ۲

گوشهای از ... بقیه رصفحه ۴
تا زمین حقوق بخور و نخر
وقد ارنانچیز سوز سالیانه مواشال اینگونه تا با زات رانیز بـ
اعتصاب بدست آورد مایم و گزیند ل آنها بحال مانوس خاست .
اما طبقه کارگر همین ماست پرا افتخار مبارز و جوشی و مبارزات
قهرمانانه ای در ارد . اگر چه ماست مایم که کما صلا جنبش
کارگری با انقلابات شاهانه "وی در ایران بوجود آمده است ، لکن
تاریخ مبارزات طبقه کارگر قهرمان ایران از زمان مشروطیت تا کسبون
صفحات پرا افتخاری بوجود آورد ماست . امروز نیز با وجود مبارزات کارگری
در ایران ، بشارت بخش آیند متا بنانک مبارزات متشکل توده های کار -
گران و سرنوشتی این رژیم جنبشگرا روایسته به سرمایه داران خارجی
وروسپاری برای ساختمان جهان نوین سوسیالیستی در ایران
است . امروز نگردد ان پیشاهنگ طبقه کارگر سوا نسالهای در از
خیانت روینوینستهای حزب توده ، در طرفه ایران احیا گردید است
مبارزات طبقه کارگر روزگاری نوین در جهت انسجام و تشکک
توده او بر میورد و میورد که رهبری گیه جنبشهای خود بخودی -
امروزی توده های خلق را در ایران در دست گیرد .
افتخار بر طبقه کارگر قهرمان ایران !

و خائنان فتنه یه میکنند .
خلقهای ایران تحت رهبری حزب کمونیست کارگران و دهقانان
ایران ، در حزب پیشات طبقه کارگر ایران ، به بیشک موفق خواهند شد ،
در جبهه متحد و توده های گرد آیند و منیری اتحادی انقلابی تمامی
توطئهای خائنانده دشمنان و بدخواهان توده های رنجیده ایران
را در هفتکشند . جبهه خلقی ، جبهه ای است بر اساس احساسات
انقلابی کارگران و دهقانان که تمامی اقتدار و طبقات و نیروهای
واقعا انقلابی را در خود متحد میکند . ضد انقلاب و عوامل امیرالیسم
و سوسیال امیرالیسم در آن راهی نیست . هدف جبهه انقلابی
توده های خلقی ، سرنوشتی حکومت زور و جباران بر علیه جبهه و آزاد ساز
ختن توده های خلقی ایران از قید اسارت امیرالیسم است
نشانده گان آنها در رهبر یختن ساطع هر نوع استعمار توده های -
زحمتکش ایران است . آزادی توده همارا در زور و پیروزی انقلاب در موب
کراتیک توده های است و این پیروزی فقط و فقط با شکست و نابودی تمامی
توطئگران امیرالیستی و سوسیال امیرالیستی و دست نشانده گان آنها
در ایران حاصل میگردد . مسلما خلقهای ایران پیروز خواهند شد
و توطئگران جز شکست و ناگامی سرانجامی نخواهند داشت . این
حکم تاریخ است .

عنوان مکاتبات
X. DR. GIOVANNA GRONDA
240 30 VILLA D ADDA - ITALY
حساب بانکی
X. DR. GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

انقلاب دموکراتیک توده های تنه راه رهایی خلق ایران است

گوشه ای از زندگی کارگران ایران (کارخانه پارس شمال)

"طبقه کارگران در آتش فقر و بی خانمانی و بیگاری میسوزد، استثمار طبقه کارگر بمرحمتن و جوی انجام میگردد، اگر نیست کارگران در آرزوی متاد و مزد ساعت کار روزانه، مزد ناچیزی در یافت میدارند که هیچگونه تکا فواید زندگی آنها را نخواهد داشت. ما را نمیکند. شرایط کارخانه از راهی است که نیروی کارگران را در اندک زمانی تحلیل میبرد. در نتیجه شرایط کارچهارم کارگران معلول میگرددند و حتی زندگی خود را میاززند و بیمه ای هم در کار نیست که آنها را بکفی برساند. بیگاری مرض زمنی است که اکنون به علت سران بردن دهقانان بسوی شهرهای پیوسته است و معضله دیگری بسود میگردد. کارفرمایان از این سرمایه کارگران برای فشار بر کارگران شافل کار، برای عدم افزایش دستمزد آنها و حتی تقلیل مزد آنها استفاده میکنند. . . . هیچ قانونی و مرجعی حاشی طبقه کارگری نیست. فقدان آزادی سندیکی و سندیکی های واقعی هم را فشار و ناخوشی موجب شده است که کارگران نتوانند متشکل گردند و بخاطر دفاع از منافع خویش و بهبود شرایط زندگی کارمبارر کنند. . . ." (از برنامه سازمانده حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران)

جملات فوق بیانگر شرایط واقعی زندگی و کارمباررکنوسی طبقه کارگران ایران است. طبقه کارگران ایران در سخت ترین شرایط غیر انسانی استثمار میشوند و همواره امکان آن دست میدهند ناراضیانی خود را از سیاست ضد کارگری این رژیم جنایتکار و پارتیو زاری ایران بسا قاطعیت تمام بر زمین هد و برای بهبود شرایط خویش و در هم شکستن رژیم استثمار بر زمین.

تولیغات شامیخو و زمین و انود سازد. در قلمرو شاهکار کارگران ایرانی غلبه نمیخورد چون بی سلیقه است، اگر مرض است چون احمق است و از او کبره ش میآید، اگر بن و فرزند انش و شرایط ناگوار و روزگار میکند مانند چون. . . . برای شاهکار کارگران ایران و طبقه کارگر همین ما در شرایطی بسیار بیشتر فقر و بیشتر تشویش و سیال و موزکراسی و حتی کارگران ارد و گاه سو سیالیسم بر سر میرند. لکن واقعیت سخت زندگی کارگران بسادگی تولیغات ضد کارگری شاهکار بر ملا میسازد. به گزارش ذیل توجه کنید:

"کارخانهای پارس شمال در جاد مکج قرار دارد. این کارخانه ۷۵ کارگر ایرانی و ۳۰ کارگر افغانی دارد. از نظر تکنیکی، دستگاهها خیلی عقب افتاد و متنها انگشت شعاری در دستگاه موجود دارد که بیشتر تمهید است. در این کارخانه تولیدی چیزی نیست. به علت ذوب فلزات و همچنین ریختن مواد مذاب در قالبها و آنهم پادست، گازهای سمی تولید شده و فضای کارخانه را پر از آلودگی میسازد. ولی اصلا به این مسئله توجه نمیشود.

بزرگترین سهامداران این کارخانه "تحصیلی" ها هستند و در مجموع ۴۶ سهامدار دارند. این استثمار و وحشیانه شریکند. در این کارخانه روزانه ۱۵۰ الی ۱۷۰ تن مواد مذاب میریزند. کارگران افغانی در این کارخانه ۲ ساعت کار میکنند.

حیدر زلی کارگر افغانی میگفت ما در اینجا روزی ۲۰۰ تومان میگیریم و هیچ بیمه نیستیم. سود ویژه نیز متعلق نمیگردد. شبها هر چند نفس در یک اطاق روی کارتن میخوابیم. روزی ۳۰ تومان مزد میگیریم و اگر کمترین اعتراضی بکنیم بد و چون و چرا ما را بیرون میکنند و کارهای سخت کارخانه را به ما واگذار میکنند. اصلاً ما را جز مزد و حساب نمیکنند.

مستقار. . . میگفت من ۱۱۰۰ تومان حقوق میگیرم و خرج ۵ نفر را میدهم. در لمان خوش است که بیمه هستیم ما هر وقت مرض میبینیم با چند تا قرص سرش را هم میآورند. خیلی کارگرها هستند که ۲۷ تومان حقوق میگیرند. چسما کارگرانی که در اینجا سوختند و آنها را سیدی نمیکنند. صاحبان کارخانه سود زیادی از کار ما میبرند و اصلاً نفعی جوشی به ما سود متعلق نمیگردد که قرض خنده ما را راست! هر وقت اعتراض کنیم به ما میگویند در این ضرورتی که ما میمانیم که دروغ میگویند. هر یک کولاد را در بازار با ۳۷ ریال میفروشند در صورتی که برای آنها ۱۵ ریال بیشتر تمام نمیشود. آدم اگر حساب بکشد استفاده روزانه آنها سه میلیون میزند. بخیه رصحه ۳

چاره رنجبران وحدت و تشکيلات است

بگیریم. این "اصلاحات" به منظور برانی اقتصاد ملی و استقرار کامل امرای ایسم در ایران صورت گرفته است. ولی رژیم مزد ورشاه - خائن و با تمام امکانات و نیروی خود تبلیغ میکند که "اصلاحات ارضی دهقانان را صاحب زمین کرد است و هم اکنون دهقانان آزاد سر - نوشت خود را در دست گرفته اند؟! "

هدف و سیاست عوام فریبی اینست که زندگی پر مشقت مردم را راحت و بیختم آنها را به پشت نشان دهد و آنها را با امید فردا به ترازو امده بر عطفی که مغایر منافع استثمارگران است باز دارد. در اوج توپم اقتصادی و کرافتوشی و رژیم مزد ورشاه خائن سازمانی بنام "کمیته دفاع از مصرف کننده" در ایران که تا با اصطلاح از منافع مصرف کننده گان حمایت کند و از رشد بی رویه قیمتها جلوگیری کند. کمیته فوق سرورده ای زبان را میزند و میگوید: "بهر روز مردم امید آکبا

کرانفرشان چنین چنان کند. در عمل چند نفره کما کما بین اهمیت را (آنها) در ارتباط با برنامه های این پیش ساختن خود (بست و پیش از این کاری نکرد. در واقع "کمیته دفاع از مصرف کننده" نه خاطر دفاع از رفاهت خرید مردم که به خاطر طرفداری دیگری وجود آمده بود. هدف دولت مزد و از ایجاد کمیته گانی "دفاع از مصرف کننده" این بود تا مردم مقررش جهان به بل رسیده ما را به امید توقف صعود سریع و پایدانی آمدن قیمتها و با جابجاییهای نامعقولی خود سرگرد کند، توجه آنها را از کراتی روز افزون منحرف سازد و به امید فردا این بیشتر، آنها را در صبر و انتظار نگاه دارد. ولی عملار روزی نبود که قیمتها بطور سرسام آوری بالا نرود و مهرهای وحشتناک ارفا چوبی نرسد. هم اکنون ایران یکی از گرانترین کشورهای دنیاست و در حالیکه محسوس روزانه یک کارگر ۲۱ تومان و مستوری را بنشیند و به زحمت به ۶۰۰ تومان در ماه میرسد و بنا به آمارهای دستکاری شده دولتی نرخ تورم سال گذشته ۲۵ / درصد (توخوان صد درصد) اعلام شده است!

علاوه بر سیاست عوام فریبی، سیاست نفاق افکنی شامزد و نیرتقش بسیار موصی در در راست از این زمین تنگین اینها میگردد. شعار "تفرقه اندازی حکومت کن" را در بارها و بارها از کتبه های پان انگلیسی خود به عارت برد و است و امروز نیز در سایه مستشاران آمریکائی هنوز این حربه میسوزد تا مردم استفاده قرار میدهند.

تفرقه افکنی میان ملیتهای مختلف ایران و برافروختن شعله های نفرت در میان ایشان از دیرباز سلاح ارتجاع ایران علیه زحمتکشان میهن ما بوده است. امروز نیز همین زحمتکشان میهن ما هستند که تفرقه افکنی را که بین ملیتهای مختلف و نسبت به یکدیگر برافروخته است در این برزند. نسبت دادن "خصوصیات" نژاد پرستانه و ویژگیهای مستحق ملیتهای گوناگون ایران، آذری ها، شمالی ها و کرد ها بلوچ ها، لر ها، . . . از جمله این سیاست است. رژیم جنایتکار خود تا رقاب "هر نژاد است" در استانبول بسیار زحمتی در بارها هر یک از ملیتهای بر سر زبانها میاندازد و هم اکنون بد نیال رشد تضاد های طبقاتی جامعه، دستهای آلوده جنایتکار رژیم این دستهای وقیح را به راههای گوناگون از جمله صورت نوارهای ضبط صوت اشاعه میدهند. رژیم میگوید تا متصرفان نفرت طلبیها را نسبت به یکدیگر در درون کارخانه ها و صفوف کارگران نیز زاری کند و در این زمینه گاهی موفقیتهایی نیز بدست میآورد. گاهی در برخی موارد، در بعضی کارگاهها، کارگران ملیتهای مختلف کتبه های یکدیگر میشوند و بسا تحقیر میگردند و بگردد میکنند. ولی زحمتکشان برای مبارزه با فقر و ناخوشی و محلی رژیم ننگین خود تا چهاره ای جز صدمت ندانند و همچنین مبارزات کارگران نشان میدهند. کارگران ملیتهای مختلف در دوش به دوش هم در اعتراضات شرکت میکنند و علیه نژادپرستی فاشیستی رژیم یکپارچه گرد تا وحدت خود را در مبارزه زاری یابند.

از این بگردد که ملیتهای مختلف فاشیستی شاه روم در تمدن بزرگ "نژاد برتراری" و تمام دستگاه تبلیغاتی به انواع وسایل در تحقیر ایران و ایرانی و بخصوص در تحقیر زحمتکشان میهن ما کوتا هستند. مؤخراتی از قبیل "ما همده رژیم"، "ایرانی ها آد نیستند"، "برای این مردم مکاری نمیشود کرد"، "ایرانیست تئیل است" و هجیاتی از این قبیل در زبان طبقات حاکم پاسبان میلغین دربار است. . . .

اما یکی از مهمترین عواملی که رژیم خود را در تلاش برای فلسج کردن نیروی لیزال توده های خلقی مورد استفاده قرار میدهند اشاعه نرس و تبلیغی است اعتماد سیاسی است. در این زمینه رژیم میسوزد که در تابا کاسیل سگهای زنجیری سازمان بخیه رصحه ۳

پنج سال است که یکی از مهمترین رژیمهای دنیا، سیاست خود را بر اساس بران گسترده است. ترا زمانه زندگی پنج ساله جامعه ما از یکطرف بر است از حیانت و جنایت رژیمی کثرتش بی حساب خلق ما را بتاراج بیگانگان امیرالست در دو طرف دیگر مقاومت و در لایه های خلقی که جان برکف با راهبها را بر علیه شرایط حیوانی و قرون وسطائی زندگی تحملی قیام کرده است.

خلق ما و بویژه مزد آرزو د نای ننگین ۲۸ مرد اوج - خیانتهای عمد رضاشاهی و لحظه های از مبارزه بر علیه رژیم صاحب کورد تا با زاری استاد و مجبور است بر آنکه در مزارع و کارخانه ها در آنگاه و با زاری . . . وجهی نیمه مشکل در ۱۴ خرداد ۴۴ و ۲۹ بهمن ۵۶ و صفحات خوبی از مقاومت و قیام یک خلق اسیر - سر در قرد لایه های خلقی جهان افزود است.

قیام خلق ما در سالهای اخیر و بویژه در این ماههای آخر نشان داد است که شرایط عینی انقلاب به تمام آحاد است و خلق ما از بد لایه های آزادی لایحه ای ترید بخود را نمیدهد و ولی آنچه بیشتر باعث تا مساف است، اینست که قیامهای مکرر خلق ما هر بار از طرف رژیم سرکوب میشود که یکی از سوییدترین و فاسدترین رژیمهای دنیاست و ضعف و بی انضباطی دستگاههای اداری و هرج و مرجع اقتصادی و اجتماعی این رژیم نیز از خاص و نام است. مهمترین علت ارتش از این رژیم پاسداری میکند که نهایت بازرگان تسلیحی قید و شرط به ما جام بیگانه است و هیچگونه اعتباری در ندارد. کسی نیست که از نارضایتی زمین و تضاد های عمیق درون نیروهای ارتش خبرند اشتبا باشد. عناصری که در صفوف ارتش متشکل شده اند نه از روی حب وطن که از روی ناچاری و فقر و گریز از بیگاری و بی شمانت اطفایان و قدهای شخصی غیر قابل به ارتش روی آورده اند. لازم میآید آریست که نیروها را یک قیام شجاعانه متعلق ما را در تبریز و وحشیانه سرکوب کرد و در از جمله واحد های نظامی بود که کمیته ای برای پشتیبانی از رژیم "زیاد باره" به "گاد یشو" پایتخت سوآلی میفرستند. انضمار و رجه داران واحد نظامی فوق از نشیند خبر عزیزت خود به سوآلی و هر یک به مسواری خریدند؛ و به نمانهای مختلفی از حضور در یادگان خود در کردی و یاد و گوشه کتبه های مخفی شده اند؟! این چنین است روحیه افسران و رجه داران ارتش سوآلی!! ولی همین واحد ناچاری و همگام که دستورات برای برقراری نظم در تروروا ختنای بیشتر نیرو و وحدت یوشالی خود را باز یافت و با کشتار خلق بی سلاح و بی گناه ما را بیکر ثابت کرد که "تبریز و شجاعت" نیروهای ارتش در مقابل افراد بی سلاح و نا متشکل بر روی میگذرد!

هر چند امروز حفظ نظارت و تروروا ختنای در نمان سر نیز امکان پذیر است ولی نیروهای مسلح رژیم سوآلی شاه و بیوزارتش و نس - توانند به پشتیبانی و در تمام شرایط بقا رژیم ننگین خود را تا زمین کنند؛ آنچه که رژیم منظور کرد تا راه پیش از ارتش سوآلی و سرانگاه میدارد و فقدان "وحدت و تشکل" خلق است که رژیم میخواستن از طریق سیاستهای عوام فریبانه و نفاق افکنانه خود در حفظ آن میگویند. اصولا نیروهای مسلح و سیاستهای عوام فریبانه و در رکن عمد رژیمهای مترجم و سوآلی جهان را تشکیل میدهند و هیچ رژیم مترجمی را در جهان نمیتوان یافت که آنها متکی نباشند. البته در ارتباط با شرایط تاریخی جوامع و تفاوتی در سیاستهای عوام فریبانه و نفاق افکنانه رژیمهای سوآلی مشاهده میشود؛ هیتلر رژیم خود را "رایش سوم" نامید و مخلق آلمان و بعد در آن که هزار سال تمام در زحمت و آسایش زندگی خواهد کرد. جانسون و ونیکسون، در جنبه های مختلف هستند و چین به دنبال بحران سیاسی و اقتصادی ناشی از شکست متفخانه ارتش تا به ندان مسلح آمریکا در هند و چین به مردم آمریکا "جامعه ای نوین" وند ه اندند. رژیم سوآلی کورد تا در کرمین نیز زحمتکشان شوروی وند ه اند که در سال ۱۹۸۰ به جامعه کمونیستی وارد خواهند شد؛ شامزد و رژیم مترجم ماهیت خود به مردم پارسی در تمدن بزرگ" راود میدهند.

سیاستهای عوام فریبانه رژیم سوآلی و رژیم مترجمی اینست که جبره ر واقعیتی رژیم را بپوشاند که رسالت آن استثمار و وحشیانه زحمتکشان است. رژیمهای مترجم و سوآلی و تمام قوانین غارتگرانه و اقدامات و برنامه های ضد خلقی خود را بنام این عنوان گمنام شتی غارتگر در نظر میگیرد، بلکه اینها به نام یکبار ز نظر گرفتن "منافع مردم" طرح ریزی شده اند و بیاد میکنند. اصلاحات ارضی شاهان را در نظر

زنده باد حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران